

## شرح قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح

### تعرض، ایراد صدمه و اهانت - قسمت یازدهم

محمد رضا یزدانیان، مدیرکل حقوقی سازمان قضایی ن.م

ماده (۴۵): «هر نظامی درحین خدمت یا در ارتباط با آ، به نگهبان یا مراقب در رابطه با انجام وظیفه وی تعرض نماید به ترتیب زیر محکوم می گردد:

الف - چنانچه مرتکب با سلاح تعرض نماید به حبس از سه تا پانزده سال

ب: چنانچه مرتکب بدون سلاح تعرض نماید به حبس از دو تا پنج سال.

تبصره - چنانچه در اثر تعرض صدمه ای به نگهبان یا مراقب وارد آید که موجب قتل یا جرح یا نقص عضو شود، مرتکب حسب مورد به قصاص یا دیه نیز محکوم می گردد.»

شرح ماده:

۱ - مرتکب جرم: هر نظامی می تواند مرتکب این جرم باشد، منظور از «هر نظامی» همچنان که در شرح مواد قبل از نظر گذشت، عبارت است از: «کارکنان ستاد کل نیروهای مسلح، ارتش، سپاه، وزارت دفاع و سازمان های وابسته، کارکنان ناجا، کارکنان وظیفه و محصلان نیروهای مسلح و افرادی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح و برابر قوانین استخدامی نیروهای مسلح در مدت مزبور، از اعضای نیروهای مسلح محسوب می شوند.»

۲ - رکن مادی بزه: تعرض به نگهبان یا مراقب «عنصر مادی جرم را تشکیل می دهد که به صورت فعل مثبت مادی می باشد. تعرض در لغت به معنای دست درازی کردن، پرخاش کردن، عتاب کردن و روی برگرداندن، آمده است. (۲)

به نظر می رسد معنای اصطلاحی و مفهوم حقوقی تعرض دقیقاً منطبق با معنای لغوی آن نباشد. در صورتی می توان فرد را تحت عنوان تعرض به نگهبان یا مراقب تحت تعقیب کیفری قرارداد که حداقل درگیری فیزیکی و بدنی با نگهبان یا مراقب داشته باشد؛ در غیراین صورت صرف پرخاش یا اهانت را نمی توان تعرض به نگهبان تلقی کرد. مؤید این نظر ماده (۴۶) همین قانون است که اهانت به نگهبان یا مراقب را تحت عنوان مجرمانه مستقل پیش بینی کرده است. در بند «پ» ماده ۶۰ آیین نامه پاسداری نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران آمده است: «هیچ کس و هیچ مقامی حق ندارد به نگهبان تعرض کند.»

۳ - نگهبان در تبصره ماده (۴۳) همین قانون تعریف شده است. برابر مقررات تبصره مزبور، نگهبان، مأمور (اعم از نظامی و انتظامی) مسلحی است که مراقبت و حفاظت یک محل یا یک منطقه یا یک مقام معین به او واگذار شده باشد.

برابر مقررات نیروهای مسلح، نگهبان سربازی است که به منظور دیده بانی و مراقبت، محافظت افراد و اماکن و تأسیسات و حفظ فرامین و دستورات در مقابل غافل گیری یا حمله دشمن در بیک نقطه یا منطقه یا محل معینی گمارده شده باشد. در آیین نامه پاسداری نیروهای مسلح نیز نگهبان موظف شده کلیه مقررات تأمینی و استحضاطی محل نگهبانی خو را رعایت کند و اگر ابهامی در

خصوص مقررات مربوط داشته باشد باید قبل از اعزام به محل نگهداری توضیحات لازم را از پاسبخش بخواهد.

۴ - مراقب در لغت به معنای مراقبت کننده ، مواظب و نگهدارنده است . (۲)  
در فرهنگ واژه های نظامی مراقبت به معنای دیده بانی مداوم از یک منطقه ، بازدید ، بررسی ، تجسس ، آزمایش و طبقه بندی مهمات و مواد منفجره در حرکت و تجسس پنهانی از یک شخص ، محل یا سازمان آمده است . (۳)

در آیین نامه پاسداری نیروهای مسلح نیز مراقب در ترکیب عوامل پاسدار ، در کنار نگهدارنده آمده است ، همچنین در فصل سوم سوم آیین نامه مزبور ، مقررات مربوط به مراقبین بازداشت شدگان به طور مشروح ذکر شده است .

۵ - نگهداری که مورد تعرض قرار می گیرد با توجه به تعریف نگهدارنده به شرح تبصره ماده (۴۳) باید مسلح باشد ، لیکن در مورد مأمور مراقب از مجموع مقررات موجود چنین شرط وقیدی استنباط نمی شود ، شاید به همین دلیل در موارد (۴۵) ، (۴۶) و ( ۵۰ ) واژه « مراقب » در کنار واژه نگهدارنده آمده باشد تا در مواردی که نمی توان از عنوان نگهدارنده استفاده کرد ، واژه « مراقب » بتواند مانع قانونی را رفع کند.

کمیسیون مشورتی قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح در پاسخ به این سؤال که « آیا نگهدارنده و مراقب مترادف هستند یا اینکه وجه افتراق بین آنها داشتن سلاح است ؟ چنین اظهار نظر کرده است : هر چند که نسبت بنگهدارنده و مراقب به شرح مقرر در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح رابطه عموم و خصوص مطلق است یعنی هر نگهدارنده مراقب محسوب می شود ولی بعضی از مصادیق مراقبت ها نگهدارنده محسوب نمی شوند . اما از جهت حمایت کیفری و قانونگذار به شرح مواد ( ۴۵ ) ، (۴۶) و (۵۰) قانون مزبور به مراقبت به معنای خاص ( نگهدارنده مسلحانه ) و سایر مصادیق مراقبت ( مراقبت غیرمسلحانه ) یکسان نگریسته است . « (۴)

۶ - تعرض به نگهدارنده یا مراقب باید در حین خدمت یا در ارتباط با آن باشد ، همچنین ارتکاب عمل باید در رابطه با انجام وظیفه نگهدارنده یا مراقب باشد در غیر این صورت عمل ارتکابی مشمول مقررات ماده نمی شود.

البته شرط اول یعنی ارتکاب فعل مجرمانه در حین خدمت و یا در ارتباط با آن ، صحیح و اصولی است ؛ لیکن شرط دوم یعنی تعرض در رابطه با انجام وظیفه نگهدارنده یا مراقب قابل دفاع نیست زیرا اولاً اصل بر این است که نگهدارنده یا مأمور مراقب در طول مدت نگهدارنده خود فقط وظیفه نگهدارنده خود را انجام دهد و تمامی حواس او بر انجام دقیق امر نگهدارنده متمرکز باشد.

ثانیاً : تفکیک عمل در رابطه با انجام وظیفه و یا غیر از انجام وظیفه مشکل است و نیازی هم به این مرز بندی و تفکیک نیست چون آنچه مهم است و موضوعیت دارد نگهدارنده بودن فرد و اصل عدم تعرض به نگهدارنده به هر علتی به لحاظ حفظ انتظام و تحکیم مبانی نظم و انضباط در نیروهای مسلح است . نتیجه این بحث و اعمال شرط مزبور این خواهد بود که اگر فردی نگهدارنده یا مراقب را به عللی

که ارتباط به انجام وظیفه وی نداشته باشد، مورد تعرض قرار دهد مشمول مقررات این ماده نخواهد شد.

۷- اگر نگهبان از حدود وظایف و اختیارات خود خارج شود و برخلاف مقررات به شخصی تعرض و یا حمله کند، چنانچه فرد نظامی مورد تعرض با رعایت موازین قانونی از نفس یا عرض یا ناموس و یا مال خود در برابر تجاوز و یا خطر قریب الوقوع دفاع کند و در نتیجه به نگهبان تعرضی صورت گیرد، موضوع مشمول مقررات این ماده نمی شود. ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی در این مورد اشعار می دارد: «مقاومت در برابر قوای تأمین و انتظامی در مواقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند، دفاع محسوب نمی شود ولی هرگاه قوای مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات آنان موجب قتل یا جرح یا تعرض به عرض یا ناموس گردد، در این صورت دفاع جایز است.»

اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در یک نظریه مشورتی اعلام کرده که اگر کارمند دولت در حین انجام وظیفه مرتکب ایراد ضرب شود و سپس مضروب او را بزند عمل ضارب اهانت به مأمور دولت تلقی نمی شود. (۵)

۸- عنصر معنوی جرم: جرم موضوع ماده (۴۵) از جرایم عمدی است؛ لذا سوء نیت یا قصد عام مرتکب جهت تحقق بزه کفایت می کند و نیازی به قصد یا سوء نیت خاص نیست. به عبارت دیگر قصد و اراده و نیت مرتکب بر تعرض به نگهبان یا مراقب یا آگاهی اونسبت به نامشروع بودن عمل ارتكابی، به عنوان رکن معنوی جرم لازم و کافی است.

۹- مجازات مرتکب چنانچه تعرض با سلاح، اعم از سرد و گرم باشد حبس از سه تا پانزده سال و در صورتی که بدون سلاح باشد حبس از دو تا پنج سال خواهد بود. اگر در اثر تعرض صدمه ای به نگهبان یا مراقب وارد شود که موجب قتل یا جرح یا نقص عضو وی گردد مرتکب علاوه بر مجازات حبس، حسب مورد به قصاص یا دیه نیز محکوم می شود.

۱۰- اگر تعرض موجب قتل نگهبان یا مراقب شود و مرتکب به هر علت قصاص نشود؛ این سؤال به نظر می رسد که آیا موضوع از لحاظ جنبه عمومی مشمول مقررات ماده (۶۱۲) قانون مجازات اسلامی می شود یا ماده ۴۵ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح؟

در پاسخ باید گفت با عنایت به اینکه موضوع مشمول عناوین هر دو ماده مورد اشاره می شود لذا مقررات تعدد معنوی حاکم می شود و مجازات اشد تعیین می شود. به عبارت دیگر اگر قتل نگهبان یا مراقب بدون سلاح صورت گرفته باشد مجازات ماده (۶۱۲) قانون مجازات اسلامی که اشد از مجازات بند «ب» ماده (۴۵) است تعیین می شود.

لیکن اگر قتل با استفاده از اسلحه به وقوع پیوسته باشد مجازات بند «الف» ماده (۴۵) که نسبت به مجازات مذکور در ماده (۶۱۲) اشد است، مورد حکم قرار می گیرد.

ماده (۴۶) «هر نامی در حین خدمت به نحوه به نگهبان یا مراقب در رابطه با انجام وظیفه وی اهانت نماید به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم می شود؛ مگر آن که اهانت او مصداق قذف باشد که به مجازات آن محکوم می شود.»

شرح ماده :

۱ - مرتکب جرم : « هر نظای » که شرح آ، در ماده قبل از نظر گذشت مرتکب جرم می باشد .

۲ - عنصر مادی جرم : اهانت به نگهبان یا مراقب ، رکن مادی جرم را تشکیل می دهد.

اهانت به یکی از رذایل و صفات مذموم اخلاقی است که در مذمت و نیکویش آن احادیث و روایات متعددی از سوی پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) نقل شده است. پیامبر گرامی اسلام (ص) در این مورد می فرمایند : *أَذَلُّ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاسَ* : خوارترین مردم کسی است که مردم را خوار شمارد. « (۶) »

فرماندهی معظم کل قوا خطاب به فرماندهان عالی رتبه نیروهای مسلح ، هنگام ابلاغ آیین نامه انضباطی اظهار داشته اند : « اهانت را ریشه کن کنید . اهانت ممنوع است ، هیچ کس حق اهانت به دیگری را ندارد ، هر کس هم اهانت کرد ، مجازات شود. اهانت را در کلمات ، در برخوردها مطلقاً از بین ببرید ، ریشه کن کنید که خلاف شئون اسلامی است . (۷) »

۳ - اهانت در لغت به معنای خوار کردن ، پست کردن و سبک شمردن آمده است . (۸)

در اصطلاح حقوقی منظور از اهانت هر گونه گفتار یا فعل یا ترک فعل است که با توجه به شخصیت و موقعیت اجتماعی طرفین و در نظر گرفتن عرف و عادت ، زمان و مکان و سایر اوضاع و احوال قضیه به نحوی از انحاء موجب تحقیر و خوار شمردن شخصی شود.

بنابراین اهانت ممکن است به صورت گفتار یا رفتار ( فعل یا ترک فعل) یا نوشتار به شکل مستقیم یا غیر مستقیم باشد. عبارت « به نحوی به نگهبان یا ... اهانت نماید » مؤید این برداشت است . در یک نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه آمده : « قید کلمه توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک ... تمثیلی است و منحصرز به توهین لفظی نمی باشد . » (۹)

هرچند که معمولاً اهانت به شیوه رفتار به صورت فعل مثبت مادی متجلی می شود لیکن در برخی موارد ممکن است ترک عملی از جانب فرد با توجه به قضاوت عرف و یا مقررات خاص سازمانی و در نظر گرفتن موقعیت و شخصیت طرف اهانت تلقی شود؛ مانند سرباز وظیفه ای که عمداً و به قصد اهانت از به کاربردن القاب خاص نظامی فرمانده خود خودداری کند یا از ادای احترام در جمع نسبت به وی استنکاف ورزد. البته در مورد اهانت به نگهبان یا مراقب وجه غالب اهانت به صورت گفتار یا فعل مثبت مادی و به شیوه حضوری و مستقیم قابل تصور است.

به موجب قانون استفساریه نسبت به کلمه اهانت ، توهین و یا هتک حرمت مندرج در مقررات جزایی مواد ( ۵۱۳ ) ، ( ۵۱۴ ) ، ( ۶۰۸ ) ، ( ۶۰۹ ) قانون مجازات اسلامی و بندهای « ۷ » و « ۸ » ماده ( ۶ ) و مواد ( ۲۶ ) و ( ۲۷ ) قانون مطبوعات مصوب ۷۹/۱۰/۴ نظر مجلس شورای اسلامی در خصوص موضوع استفسار مبنی بر : « آیا منظور از عبارت « اهانت ، توهین و یا هتک حرمت مندرج در قوانین جزایی از جمله مواد مزبور ، عبارت است از به کاربردن الفاظی که دلالت صریح برفحاشی و سب و لعن دارد ؟ یا خیر در صورت عدم صراحت مطلب و انکار متهم بر قصد اهانت و هتک حرمت ، آیا موضوع از مصادیق مواد مورد ذکر می باشد یا خیر؟ ؛ بدین شرح اعلام شده است : « از نظر مقررات کیفری اهانت و توهین و ... عبارت است از به کار بردن الفاظی که صریح یا ظاهر باشد و یا

ارتکاب اعمال و انجام حرکاتی که با لحاظ کردن عرفیات جامعه و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و موقعیت اشخاص، موجب تخفیف و تحقیر آنان شود و با عدم حضور الفاظ، توهین تلقی نمی‌گردد.»

در یک رأی دیوانعالی کشور آمده است: «فحش بودن یا فحش نبودن یک لفظ مفهومی است که به اعتبار زمان و مکان تغییر پذیر می‌باشد و تشخیص آن با در نظر گرفتن عرف و عادت و زمان و مکان و شخصیت طرفین بر عهده دادگاه است. ولی آنچه ضرورت دارد این است که دادگاه باید لفظ یا عملی را که توهین آور تشخیص داده است به طور کامل در دادنامه ذکر کند و اجمال در این مورد از موجبات نقض فرجامی خواهد بود.» (۱۰)

۴- توهین به نگهبان یا مراقب باید در حین خدمت مرتکب و همچنین در رابطه با انجام وظیفه افراد مزبور باشد در غیر این صورت مشمول مقررات ماده نخواهد شد.

۵- به نظر می‌رسد در توهین به نگهبان یا مأمور مراقب ارتجالی بودن اهانت شرط باشد هرچند که در شرط ارتجالی بودن توهین، نظر مخالف نیز وجود دارد. اما در مورد عنوان مجرمانه توهین به نگهبان، با توجه به فلسفه وضع مقررات مزبور که حفظ اقتدار و شأن و رعایت حرمت عوامل پاسدار که در نهایت باعث تحکیم مبانی نظم و انضباط در نیروهای مسلح می‌شود، است چنانچه خود نگهبان رعایت شأن و حرمت و جایگاه خود را نکند و با نادیده گرفتن ارزش‌های اخلاقی و انضباط معنوی فرد یا افرادی را مورد اهانت قرار دهد و فرد مورد اهانت در مقام پاسخ به توهین باشد و این امر ثابت شود، اصل تفسیر قوانین جزایی اقتضاء می‌کند که این حالت را مشمول مقررات این ماده ندانیم البته مشروط بر اینکه بین عمل مرتکب و پاسخ آن فاصله زمانی غیر متعارف نباشد. اداره حقوقی قوه قضاییه در یک نظریه مشورتی اعلام کرده است: «در توهین ارتجالی بودن عمل شرط است. بنابراین اگر کسی مورد اهانت قرار گیرد و در پاسخ اقدام به توهین نماید، مشمول حکم این ماده نیست.» (۱۱)

۶- در صورتی که مرتکب علاوه بر اهانت نسبت به نگهبان، او را مورد ضرب نیز قرار دهد، موضوع مشمول مقررات تعدد مادی جرم می‌شود.

۷- عنصر معنوی جرم: جهت تحقق بزه اهانت، سوءنیت یا قصد عام و سوءنیت یا قصد خاص لازم است.

یعنی مرتکب باید علم و آگاهی نسبت به نامشروع بودن عمل ارتكابی و اینکه عمل ارتكابی اعم از گفتار یا رفتار یا نوشتار اهانت آمیز است، داشته باشد و از طرفی مرتکب باید قصد تحقیر و خوار شمردن طرف را نیز دارا باشد.

یکی از حقوقدانان در این مورد چنین اظهار نموده است: «ممکن است گفته شود برای تحقق جرم توهین، همان سوءنیت عام کفایت می‌کند با این توضیح که علم و آگاهی مرتکب نسبت به اینکه الفاظ یا نوشته‌ها یا افعال به کار رفته موجب تحقیر دیگری می‌شود لازم است. پس وقتی مرتکب معنای الفاظ یا نوشته‌ها یا افعال را می‌داند و عمداً آن‌ها را به کار می‌برد سوءنیت عام دارد و نیاز به سوءنیت دیگری ندارد. این گفته تعبیر دیگر همان قصد تحقیر است زیرا وقتی مرتکب معنای لفظ

یا نوشته یا فعل خود را می داند و آن را به کار می برد معنایش آن است که قصد تحقیر داشته است که همان سوءنیت خاص می باشد.»(۱۲)

در یک نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه آمده است: «... در اهانت، قصد هم لازم است یعنی اهانت کننده باید قصد اهانت داشته باشد ولی اگر قصد اهانت نداشته باشد سخن یا عمل او اهانت نخواهد بود.»(۱۳)

۸- مجازات مرتکب دو ماه تا یک سال حبس تعزیری است مگر آن که اهانت مصداق قذف باشد که به مجازات آن محکوم می شود در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح سال ۷۱ در ماده (۳۸) آمده بود که اگر اهانت قذف باشد مرتکبه مجازات آن نیز محکوم می شود. هرچند که قانون جدید با اصول حاکم بر جرایم و مجازات ها و اجرای عدالت کیفری از لحاظ تعیین مجازات واحد برای فعل مجرمانه واحد سازگاری و انطباق دارد اما با توجه به اینکه قذف دارای مجازات حد است و اجرای حد قذف به استناد تبصره ۱ ماده (۱۴۰) قانون مجازات اسلامی منوط به مطالبه مقذوف است و در برخی موارد نیز مقذوف غیر از مخاطب می باشد. بنابراین در صورتی که مقذوف از حق خود گذشت کند موجبی جهت اعمال مجازات تعزیری وجود ندارد. در صورتی که اهانت ساده و سبک تر از قذف برابر مقررات ماده (۴۶) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مستوجب دو ماه تا یک سال حبس خواهد بود و غیرقابل گذشت نیز می باشد. البته اگر قذف موضوع ماده (۱۴۴) قانون مجازات اسلامی باشد، مرتکب نسب به مقذوف، مستوجب اجرای حد بوده و نسبت به مخاطب که به واسطه قذف اذیت شده است تا (۷۴) ضربه شلاق تعزیری می شود که در این مورد خاص نیز در صورت گذشت مقذوف مجازات تعزیری تعیین شده سبک تر از مجازات تعزیری مذکور در ماده (۴۶) است. گرچه به نظر می رسد اعتقاد تدوین کنندگان لایحه قانون جدید مجازات جرایم نیروهای مسلح پیروی از سبک و روش قانون سابق مجازات جرایم نیروهای مسلح بوده، اما در نهایت روش موجود یعنی تعیین مجازات واحد به تصویب نهایی رسید و مجازات مرتکب در فرض بحث، مسکوت ماند که ان شاء... در اصلاحات قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح این خلاء قانونی رفع شود.

ماده (۴۷): «هر نظامی که حین خدمت یا در ارتباط با آن، نسبت به مافوق خود عمداً مرتکب ضرب یا جرح یا نقص عضو و یا قتل شود، علاوه بر محکومیت به قصاص یا دیه، حسب مورد به شرح ذیل محکوم می شود:

الف- در صورتی که با سلاح باشد به حبس از سه تا پانزده سال.

ب- چنانچه بدون سلاح باشد و موجب قتل گردد به حبس از سه تا پانزده سال و اگر موجب جرح یا نقص عضو شود به حبس از دو تا ده سال و در غیر این صورت به حبس از دو تا پنج سال.»

شرح ماده:

۱- عنصر مادی جرم: ضرب یا جرح یا نقص عضو و یا قتل مافوق رکن مادی جرم را تشکیل می دهد. هرچند که واژه نقص عضو در کنار ضرب و جرح آمده است لیکن با عنایت به اینکه آثار ضرب و جرح ممکن است به شکل نقص عضو یا شکستن یا از کار افتادن یا نقص یکی از حواس و یا صور

دیگر بروز کند لذا عبارت نقص عضو حصری نبوده و موضوعیت ندارد به عبارت دیگر ماده شامل هرگونه آثاری که در اثر ضرب و جرح به وجود آید می شود.

۲- جرح موضوع ماده (۴۷) علاوه بر جنبه خصوصی، دارای جنبه عمومی نیز است و مجازات تعزیری آن منوط به تحقق شروط خاصی مانند اخلال در نظم و سیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران که در ماده (۶۱۴) قانون مجازات اسلامی آمده نیست. به عبارت دیگر جنبه عمومی بزه ایراد ضرب و جرح مافوق از نظر مقنن مفروض و مسلم است. اداره حقوقی قوه قضاییه در خصوص جنبه عمومی موضوع ماده (۶۱۴) قانون مجازات اسلامی اعلام کرده: «... در صورتی که اقدام ضارب موجب اخلال در نظم و سیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد یا آلت جرح اسلحه یا چاقو باشد، در صورت گذشت شاکی، مرتکب به مجازات های مندرج در ماده (۶۱۴) محکوم می شود.» (۱۴)

۳- منظور از مافوق یا بالا دست، افسر یا درجه داری است که نسبت به افسر و یا درجه دار دیگر از درجه بالاتری برخوردار باشد و در صورت مساوی بودن درجه، شغل سازمانی وی بالاتر باشد مادون یا زیر دست عکس این حالت را دارد بنابراین ممکن است فردی در یگان و یا محل خدمت خود مافوق عده ای و مادون افراد دیگر باشد.

به نظر می رسد منظور از عبارت مافوق خود شخصی است که در سلسله مراتب فرماندهی فرد مادون یا یگان و سازمان متبوع او قرار داشته باشد و شامل هر فرد بالا دست نمی شود. اداره حقوقی قوه قضاییه تفسیر و نظر مضیق تری در این مورد دارد بر اساس نظریه مرجع مزبور: «جمله ... به مافوق خود به نحو یاز انحاء اهانت نماید... مندرج در ماده (۳۱) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب سال ۷۱ (ماده ۴۸ قانون جدید) در ارتباط مستقیم با شخصی است که فرد مادون در واحد مربوطه به عنوان مافوق باید از او اطاعت کند. این کلمه خود مبین این تخصیص است به عبارت دیگر مافوق خود یعنی شخصی که سمت فرماندهی و ریاست بر او دارد و لذا نمی توان مافوق را تعمیم و آن را نسبت به کلیه کسانی که نسبت به اهانت کننده مافوق تلقی می گردند. تسری داد. (۱۵)

۴- عنصری معنوی جرم: این جرم از جریام عمدی بوده و قصد ارتکاب عمل مجرمانه یعنی قصد ضرب یا جرح یا نقص عضو یا قتل مافوق به عنوان رکن روانی و معنوی بزه لازم است. ضمن اینکه مرتکب باید به مافوق بودن فرد نیز علم و آگاهی داشته باشد.

۵- اگر ارتکاب بزه در حین خدمت نباشد ولی در ارتباط با آن باشد در این صورت هم موضوع مشمول مقررات ماده می شود. به عبارت دیگر محل وقوع جرم تأثیری در تحقق آن ندارد. این امر در مورد مواد (۴۵)، (۴۸)، (۵۰) و (۵۲) هم مصداق دارد.

۶- اگر ایراد ضرب یا جرح یا نقص عضو و یا قتل مافوق با رعایت شرایط مقرر در قانون، در مقام دفاع مشروع باشد مشمول مقررات ماده نمی شود در این مورد در طر ماده (۴۵) توضیح لازم داده شده است.

۷- مجازات مرتکب علاوه بر محکومیت به قصاص یا دیه (حسب مورد) در صورتی که عمل ارتكابی با صلاح باشد حبس از سه تا پانزده سال و چنانچه بدون سلاح باشد، در مورد قتل سه تا پانزده سال و در صورت جرح یا نقص عضو دو تا ده سال و در غیر این صورت دو تا پنج سال حبس خواهد بود. مجازات ضرب یا جرح با نقص عضو یا قتل در صورتی که عمل ارتكابی با صلاح باشد یکسان پیش بینی شده است. به نظر میرسد تفکیک مجازات ضرب و جرح از قتل با استفاده از سلاح به روش مذکور در بند (ب) با اجرای عدالت سازگاری بیشتری داشته باشد.

۸- سلاح اعم است از سلاح گرم و سرد

ماده (۴۸): «هر نظامی حین خدمت یا در ارتباط با آن، به مافوق خود اهانت کند به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم می شود.

تبصره- در صورتی که اهانت وی مصداق کذف باشد به مجازات آن محکوم می شود.

۱- عنصر مادی بزه اهانت به مافوق است.

۲- برخلاف مقررات مواد (۴۵) و (۴۶) نیازی نسبت به اهانت به مافوق در ارتباط با انجام وظیفه وی باشد. به عبارت دیگر در حال انجام وظیفه بودن یا نبودن مافوق تأثیری در تحقق عنوان مجرمانه مزبور ندارد، لیکن مرتکب باید در حین خدمت باشد یا در ارتباط با خدمت، به مافوق اهانت کند.

اداره حقوق قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره ۷۱/۱۱/۳-۷/۱۱۱۶۰ در پاسخ به این سؤال که آیا لازمه تحقق بزه اهانت به مأمور دولت حین انجام وظیفه این است که مأمور در محل کار و در پشت میز کارش مورد اهانت واقع شود یا اهانت در محل اداری نیز از مصادیق اهانت حین انجام وظیفه محسوب می شود یا خیر؟ چنین اظهار نظر کرده است: «از لحظه ای که کارمند در محل خدمت حضور یابد تا لحظه ترک محل، پیوسته در حین انجام وظیفه بوده و در صورتی که مورد اهانت واقع شود از مصادیق جرم موضوع ماده (۸۷) قانون تعزیرات (۶۰۹ قانون مجازات اسلامی) است.» (۱۶)

۳- در جرم توهین، حضور توهین شونده شرط نیست و بدون حضور او نیز بزه محقق می شود. در این مورد یکی از حقوقدانان می نوسد: «در تحقق جرم توهین فرقی نمی کند که توهین شونده حضور داشته باشد یا غایب باشد، اهانت به مردگان همان گونه که در آیین نامه امور خلافی آمده است جرم محسوب می شود.» (۱۷)

در بند ۱۳ از ماده یکم آیین نامه امور خلافی مصوب سال ۱۳۲۴ وزارت دادگستری، عمل کسانی که بر خلاف شعائر مذهبی یا آداب ملی به مردگان در ملاء عام اهانت کنند جرم از نوع امور خلافی محسوب شده است.

در مورد توهین به مأمور دولت در حین انجام وظیفه به نظر می رسد حضور توهین شونده شرط باشد کمیسیون قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح در پاسخ به این استعلام که آیا توهین موضوع مواد (۶۰۸) و (۶۰۹) قانون مجازات اسلامی و مواد (۴۶)، (۴۸)، و (۴۹) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح بایستی حضوری باشد یا اینکه به صورت غیر حضوری هم قابل تحقق می باشد چنین اعلام نظر کرده است: «حضور توهین شونده در زمان توهی شرط تحقق بزه موضوع ماده (۶۰۸) قانون مجازات اسلامی نیست و به صورت غیر حضوری نیز قابل تحقق است لکن توهین

به مأمورین رسمی موضوع ماده (۶۰۹) قانون مجازات اسلامی و مواد (۴۶) و (۴۸) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح با عنایت به قید در حال انجام وظیفه و در حین خدمت در مواد قانونی مزبور، چنانچه در حال انجام وظیفه یا حین خدمت صورت گیرد، حضور توهین شونده شرط تحقق بزه مواد قانونی مزبور است لکن چنانچه توهین به سبب انجام وظیفه صورت گیرد حضور توهین شونده در این صورت نیز شرط تحقق بزه مزبور نیست.» (۱۸)

۴- در مورد تعریف و خصوصیات مرتکب جرم، مافوق، عناصر عمومی و ارکان اختصاصی و مجازات عنوان مجرمانه، اهانت توضیحات لازم در شرح مواد (۴۵)، (۴۶) و (۴۷) بیان شد.

ماده (۴۹): «هریک از فرماندهان و مسؤولان نظامی به افراد تحت امر خود اهانت و یا خارج از محدوده اختیارات فرماندهی و آیین نامه انضباطی آنان را تنبیه نماید به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم و هرگاه به موجب قوانین جزایی دیگر مستلزم حد یا قصاص یا دیه باشد به آن مجازات نیز محکوم می شود.»

شرح ماده:

۱- مرتکب جرم: هریک از فرماندهان و مسؤولان نظامی می توانند مرتکب جرم موضوع این ماده باشند. منظور از فرمانده، فرد نظامی است که به لحاظ شغل یا درجه یا مقام و مسؤولیتی که به او واگذار شده است. مسؤولیت هدایت و فرماندهی یک یگان یا واحد یا قسمت را دارد.

فرمانده تنها مقامی است که در قبال اعمال و اقداماتی که یگان یا واحد وی انجام میدهد پاسخگو است و مسؤولیت دارد. در مورد مسؤول نظامی به نظر می رسد تعریف مشخصی از این واژه در مقررات نیروهای مسلح و فرهنگ واژه های نظامی ارائه نشده باشد لیکن با عنایت به اینکه این واژه در کنار «فرمانده» آمده است منظور از آن هریک از «رؤسا» یا «مدیران» یا سایر افرادی هستند که در ردیف فرماندهی بوده ولی عنوان خاص «فرمانده» ندارند.

به هر حال مسؤولان نظامی نیز مانند فرماندهان برابر مقررات و در چارچوب آیین نامه انضباطی حق تنبیه افراد تحت امر خود را دارند.

۲- عنصر مادی جرم: رکن مادی جرم از دو جزء: «الف» اهانت به افراد تحت امر یا مادون.

ب) تنبیه افراد تحت امر یا مادون «تشکیل می شود.

موضوع ماده صرفاً شامل افراد مادونی می شود که تحت امر یا فرماندهی اهانت کننده قرار دارند و شامل هر مادونی نمی شود. در مورد اهانت به مافوق نیز موضوع مقید به این است که مافوق در سلسله مراتب فرماندهی فرد مادون یا یگان و سازمان متبوع او قرار داشته باشد و شامل هر فرد بالادست نمی شود.

۳- هر نظامی که مرتکب تخلف شود در خصوص وی تنبیه انضباطی توسط فرمانده مربوط اعمال می شود. تخلفات و تنبیہات انضباطی و مقاماتی که حق اعمال تنبیہات را دارند در مواد (۱۱۶) و (۱۱۷) و جداول پیوست آیین نامه انضباطی تصریح شده است. حال اگر فرمانده خارج از محدوده اختیارات فرماندهی و آیین نامه انضباطی افراد تحت امر خود را تنبیه کند مرتکب جرم موضوع این ماده شده است.

۴ - منظور از « تخلف » انجام هر عمل یا ترک فعلی است که برخلاف مقررات و دستورات و نظم و ترتیب و شئون جامعه نیروهای مسلح باشد و تخلفاتی که تنبیه آن در اختیار فرماندهان ، رؤسا و مدیران گذاشته شده است ، «تخلفات انضباطی» نامیده می شود. (۱۹)

۵ - هدف از تنبیه ، اصلاح فرد مختلف و تنبیه و آگاهی دیگران است و تنبیه نباید جنبه انتقامی داشته باشد و هرگاه فرمانده ، رئیس و یا مدیر متوجه شود اختیارات او از لحاظ اجرای تنبیهات به اندازه ای نیست که بتواند تنبیه مناسبی نسبت به متخلف اعمال کند. در حدود اختیارات متخلف را تنبیه کرده و نسبت به تنبیه بیشتر از اختیارات خود ، از مقام بالاتر تقاضا می نماید . (۲۰)

۶ - در ماده (۳۲) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب سال ۷۱ آمده بود : « هر یک از فرماندهان و مسؤولین خارج از محدوده اختیارات فرماندهی و آیین نامه انضباطی به افراد تحت امر خود اهانت یا آنها را تنبیه نماید به حبس .... محکوم می شود. » از مفهوم مخالف عبارت مذکور استنباط می شد که فرماندهان و مسؤولین در حدود اختیارات فرماندهی و آیین نامه انضباطی حق دارند به افراد تحت امر اهانت کنند، قانون جدید این نقص نگارشی رفع شده و کلمه « اهانت » قبل از عبارت « خارج » از محدوده اختیارات فرماندهی و آیین نامه انضباطی « قید شده » است.

۷ - مجازات مرتکب ، حبس از دوماه تا یک سال خواهد بود و در صورتی که عمل ارتكابی مستلزم حد یا قصاص یا دیه باشد ، به مجازات آن نیز محکوم می شود . منظور از مجازات حد ، حد قذف است ؛ یعنی اگر اهانت از مصادیق قذف باشد به مجازات قذف نیز محکوم می شود . در این ماده نقص موجود در مواد ( ۴۶ ) و ( ۴۸ ) رفع شده است . برابر مقررات مادتهای مزبور در صورتی که اهانت مصداق قذف داشته باشد توهین کننده فقط به مجازات قذف داشته باشد توهین کننده فقط به مجازات قذف محکوم می شود که به مشکلات اجرایی این مواد در خصوص گذشت مقذوف اشاره شد . بنابراین در مورد موضوع این ماده چنانچه اهانت از مصداق قذف باشد و مقذوف گذشت کند ، مجازات تعزیری به قوت خود باقی است.

۸ - جرم موضوع این ماده از جرایم غیر قابل گذشت بوده و در صورت گذشت شاکی خصوصی صرفاً اجرای مجازات های قصاص یا دیه یا قذف موقوف می شود.

ماده (۵۰) : « هر نظامی که حین خدمت یا در ارتباط با آن ، مافوق خود یا مراقب یا نگهبانی را در ارتباط با انجام وظیفه آنان تهدید نماید ، به حبس از دوماه تا یک سال محکوم می شود. شرح ماده :

۱ - مرتکب جرم : مرتکب جرم « هر نظامی » است که مصادیق آن در ماده یک همین قانون ذکر شده و توضیح آن در مواد قبل بیان شد.

۲ - عنصر مادی جرم : رکن مادی یا عملیات اجرایی بزه « تهدید مافوق ، نگهبان و مأمور » مراقب « است. تهدید در لغت به معنای ترساندن ، بیم دادن و وعده به شر آمده است .

۳ - طرف جرم یا مجنی علیه این بزه « مافوق » و « نگهبان » و « مراقب » است که توضیح آن به تفصیل در مواد قبل از نظر گذشت.

۴ - تهدید اعم است از تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا افشای سری نسبت به مافوق ، یا نگهبان و یا مراقب . در تهدید به قتل ، مرتکب مافوق یا نگهبان و یا مراقب. در تهدید به قتل ، مرتکب مافوق یا نگهبان یا مراقب را از کشتن می ترساند. در تهدید به ضررهای نفسی مرتکب افراد یاد شده را از صدمات بدنی و جسمانی می ترساند . در تهدید به ضررهای شرفی ، آبرو و حیثیت و شرف افراد مزبور تهدید می شود. در تهدید مالی ، اموال و دارایی مافوق یا نگهبان یا مراقب مورد تهدید قرار می گیرد و بالاخره در تهدید به افشای سر ، مرتکب افراد یاد شده را به افشاء و برملاء و آشکار ساختن یا امر پوشیده و نهفته و مکتوم آنان تهدید می کند.

سؤالی که پیش می آید این است که آیا تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی یا افشای سری نسبت به بستگان مافوق یا نگهبان و یا مراقب نیز مشمول مقررات ماده می شود یا خیر؟ در پاسخ باید گفت با عنایت به اینکه در ماده صرفاً به مافوق یا نگهبان و یا مراقب ، آن هم در ارتباط با انجام وظیفه آنان اشاره شده است ، لذا قاعده منع تفسیر موسع قوانین جزایی و تفسیر به نفع متهم اقتضاء می کند که تهدید بستگان افراد یاد شده را مشمول مقررات ماده ندانیم و در صورت تحقق چنین امری موضوع مشمول مقررات ماده ( ۶۶۹ ) قانون مجازات اسلامی می شود.

۵ - درخواست مال یا وجه یا انجام فعل یا ترک فعلی از مافوق یا نگهبان یا مراقب توسط تهدید کننده شرط تحقق جرم نیست.

۶ - تهدید ممکن است شفاهی یا کتبی یا حضوری و یا غیر حضوری باشد . به عبارت دیگری تهدید به هر شکل و یا وسیله ای ممکن است صورت گیرد و تفاوتی نیز بین اشکال و انواع آن نیست. در قانون مجازات عمومی ، مجازات تهدید شفاهی و کتبی و همچنین تهدید به قتل با تهدید به ضررهای نفسی و شرفی و... با یکدیگر تفاوت داشت . براساس مقررات ماده ۲۳۵ قانون مجازات عمومی : « هرگاه کسی کتباً با امضاء یا بدون امضاء شخصی را تهدید به قتل کند و یا به این وسیله تقاضای وجه یا مالی یا تقاضای انجام امری را نماید ، به حبس تأدیبی از یک الی سه سال محکوم خواهد شد و اگر تقاضای وجه یا مال یا انجام امری ننماید ، به حداقل مجازات مزبور محکوم می شود . هرگاه کسی با وسایل مزبور شخصی را تهدید کند به ضررهای نفسانی یا شرفی یا به افشای سری یا نسبت دادن امری که موجب هتک شرف است و به این واسطه تقاضای وجه یا مالی یا تقاضای انجام امری نماید به حبس تأدیبی از یک ماه الی شش ماه محکوم می شود و در صورت عدم تقاضا محکوم به حداقل مجازات مزبور خواهد شد و اگر تهدید شفاهی باشد جزای آن حبس تأدیبی از پانزده روز الی یک ماه است اعم از اینکه تقاضای وجهی یا کاری همراه آن باشد یا نباشد . »

۷ - مرتکب باید در حین خدمت یا در ارتباط با آن مافوق یا نگهبان یا مراقب را تهدید کند ، همچنین لازم است تهدید در ارتباط با انجام وظیفه افراد مزبور باشد.

۸ - سؤالی که قابل طرح می باشد این است که اگر مرتکب تهدید را عملی نیز نماید یا به عبارت دیگر جرایم مورد تهدید اتفاق بیافتد ، آیا موضوع مشمول مقررات تعدد معنوی جرم می شود یا تعدد مادی جرم ؟

در پاسخ باید گفت: «در مورد تهدید به قتل یا ضررهای نفسی، بدون تردید موضوع مشمول تعدد مادی وقاعده جمع مجازات می شود. چون بحث تعدد معنوی در مورد اجتماع جرایم مستوجب تعزیر با جرایم مستوجب قصاص یا دیه مصداق ندارد؛ مگر آن که در موارد خاص موضوع جنبه عمومی آنها مطرح باشد. صرف نظر از این موضوع به نظر نگارنده تهدید و جرایم مورد تهدید هر یک مستقل بوده و مرتکب با رعایت قاعده تعدد مادی جرم و جمع مجازات، مجازات می شود؛ مگر آن که تهدید و جرم موضوع آن در یک زمان اتفاق بیافتد به نحوی که عرفاً تهدید مقدمه عمل مزبور محسوب شود که رد این مورد موضوع مشمول مقررات تعدد معنوی جرم می شود.»

البته در این مورد نظر مخالف نیز وجود دارد. یکی از حقوقدانان در این مورد می نویسد: «مفاد این ماده ( ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی ) تا وقتی قابل اعمال است که جرایم مورد تهدید اتفاق نیافتاده باشد. اما در صورت محقق شدن این جرایم، با توجه به قاعده تعدد معنوی، مجازات اشد اعمال می گردد.» (۲۱)

۹- عنصر معنوی جرم: مرتکب در صورتی قابل تعقیب است که قصد تهدید داشته باشد در غیر اینصورت مثلاً اگر ثابت شود که گفته یا نوشته وی به قصد شوخی بوده و نیت تهدید طرف را نداشته است، قابل مجازات نیست. همچنین علم و آگاهی مرتکب نسبت به مافوق یا نگهبان یا مراقب بودن تهدید شونده، شرط است والا مشمول مقررات این ماده نمی شود.

۱۰- در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح سال ۷۱ تهدید نگهبان پیش بینی شده بود، لیکن تهدید نسبت به مافوق پیش بینی نشده بود که قانون جدید این نقص را مرتفع کرد.

۱۱- اداره حقوقی قوه قضائیه در پاسخ به این سؤال که آیا هر نوع تهدید اهانت نیز تلقی می شود یا خیر؛ چنین اظهار نظر کرده است: «تهدید و اهانت، جرایم جداگانه هستند. نمی توان هر نوع تهدید را اهانت تلقی کرد اگرچه ممکن است تهدید با اهانت توأم باشد یا بالعکس.» (۲۲)

۱۲- مجازات مرتکب دوماه تا یک سال حبس خواهد بود که در صورت وجود کیفیات مخففه، دادگاه می تواند مجازات حبس را تا یک سوم حداقل آن، تخفیف دهد و یا به یکی از مجازات های مذکور در ماده ۳ همین قانون تبدیل کند.

پی نوشت ها:

- ۱- معین - دکتر محمد - فرهنگ فارسی - جلد اول
- ۲- معین - دکتر محمد - فرهنگ فارسی - جلد سوم
- ۳- رستمی - محمود - فرهنگ واژه های نظامی .
- ۴- نظریه شماره ۱۰۰۶ / ۳۴ / ۷ مورخه ۸۴/۹/۲
- ۵- نظریه شماره ۷/۳۲۵۳ مورخه ۵۹/۶/۲۲
- ۶- نهج الفصاحه - مترجم و فراهم آورنده ابوالقاسم پاینده.
- ۷- مقدمه آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح
- ۸- فرهنگ فارسی عمید

- ۹- نظریه شماره ۷/۴۶۳۶ مورخه ۷۸/۷/۳ اداره حقوقی قوه قضائیه .
- ۱۰- رعی شماره ۱۵۶۵ - ۱۳۱۹/۵/۱۷ شعبه پنجم دیوانعالی کشور.
- ۱۱- نظریه مشورتی شماره ۷/۳۲۵۳ - ۵۹/۶/۲۲
- ۱۲- زراعت - دکتر عباس - شرح قانون مجازات اسلامی - بخش تعزیرات
- ۱۳- نظریه مشورتی شماره ۷/۳۴۷۲ مورخه ۷۷/۸/۱۶
- ۱۴- نظریه مشورتی شماره ۳۶۲۱ - ۷۸/۱۰/۲
- ۱۵- نظریه مشورتی شماره ۷/۵۰۹۷ مورخه ۷۳/۷/۲۱
- ۱۶- نظرهای اداره حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسایل کیفری - غلامرضا شهری -  
سروش ستوده جهرمی.
- ۱۷- زراعت - دکتر عباس - شرح قانون مجازات اسلامی - بخش تعزیرات.
- ۱۸- نظریه مشورتی شماره ۷/۳۴/۲۶۹ مورخه ۸۴/۳/۱۷ .
- ۱۹- ماده ۱۱۰ آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح.
- ۲۰- مواد ۱۱۱ و ۱۲۱ آیین نامه انضباطی ن.م
- ۲۱- شرح قانون مجازات اسلامی - جلد سوم ( تعزیرات ) دکتر عباس زراعت.
- ۲۲- نظریه مشورتی شماره ۷/۲۲۱ مورخه ۸۲/۱/۲۶.